

بررسی زبان شناختی نام‌ها و القاب پیامبر(ص)

در قرآن کریم

دکتر محمد رضا فخرروحانی

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه قم

چکیده

در قرآن کریم هم نام‌های پیامبر اسلام(ص) یعنی احمد و محمد و هم القاب آن حضرت مانند رسول و نبی و مزمل و مدثر به کار رفته است. تحلیل زبان شناختی فلسفه کاربرد این نام‌ها و القاب حسب مورد موضوع مقاله حاضر است. اگرچه زبان‌شناسان در این زمینه تحقیقاتی را صورت داده‌اند؛ اما نظر به این که تحقیقات آنان در زمینه زبان بشری، اغلب با توجه به جوامع غربی بوده است، نظریات آنان از عهده توجه کاربردهای قرآنی اسامی و القاب پیامبر اسلام(ص) قاصر است که تفصیل آن را می‌توان در این مقاله مطالعه کرد.

کلیدواژه‌ها: خطابات قرآن، اسامی و القاب، پیامبر اسلام(ص)، ادب و احترام.

۱. مقدمه

دانش زبان‌شناسی می‌تواند، در تبیین زبان‌شناختی قرآن مورد استفاده قرار گیرد. یکی از مقولات زبانی قرآن کریم نحوه یادکرد از پیامبر اسلام(ص) است. در آیات قرآن از آن حضرت به انحاء گوناگون یاد شده است که در این مقاله پس از گزارش دستاوردهای زبان‌شناسان در این زمینه و بیان انواع یادکرد پیامبر اسلام(ص) در قرآن به تبیین آنها

پرداخته می شود.

۲. تحلیل خطاب‌ها از نگاه زبان‌شناسان

خطاب در زمره نخستین و شاید چشم‌گیرترین مطالعات در حوزه جامعه‌شناسی زبان و کاربردشناسی زبان بوده است. در این‌گونه مباحث به جنبه اجتماعی-کاربردی استفاده از ضمیر دوم شخص مفرد در مقابل ضمیر یا ضمایر دوم شخص جمع پرداخته می شود. تحقیقات انجام شده در این مباحث دارای قله‌های شامخی همچون آثار «گیرتس» درباره زبان جاوه‌ای است که از فضل تقدّم بر آثار دیگران برخوردار است. پس از آن اثر ارزشمند «براون» و «لویسن» (۱۹۸۷م) باید نام برد که حقیقتاً کتابی بسیار تأثیرگذار بوده است. جدیدترین و شامل‌ترین اثر، رساله دکترای «ایلن» (۱۹۹۹م) است که بعدها به صورت کتابی مستقل در سال ۲۰۰۱م منتشر شد.

«براون» و «لویسن» ابتدا اثر خود را در قالب مقاله‌ای مفصل در سال (۱۹۷۸م) منتشر کردند و سپس در سال ۱۹۸۷م آن را با جرح و تعدیل و با افزودن مقدمه‌ای پنجاه صفحه‌ای به هیئت کتابی مستقل در آوردند. کاری که «براون» و «لویسن» انجام دادند، این بود که مفهوم ادب و به تبع آن کاربرد صورت‌های خطاب را بر اساس مفهوم وجهه از آثار «گافمن» مردم‌شناس آمریکایی برگرفتند. وجهه عبارت است از تصویری که فرد از خود در جامعه دارد (یول ۱۹۹۶، ص ۶۰).

آنچه «براون» و «لویسن» انجام دادند، این بود که مفهوم وجهه را به دو نوع مثبت و منفی تقسیم کردند. وجهه مثبت آن است که شخص تمایل دارد، به آن در جامعه شناخته شود و وجهه منفی آن است که می‌خواهد آن را از جامعه مکتوم نگاه دارد. «براون» و «لویسن» هم‌چنین مفهوم ادب را هم بر پایه مفهوم وجهه به مثبت و منفی تقسیم کرده است. ادب مثبت عملی است که به حفظ وجهه مثبت شخص می‌انجامد و ادب منفی عملی است که به وجهه مثبت شخص خدشه وارد می‌کند.

از آنچه در اثر «براون» و «لویسن» آمده است، دو مفهوم ادب مثبت و ادب منفی بیشتر مورد توجه زبان‌شناسان واقع شده است. پس از آن زبان‌شناسان نقدها و اصلاحاتی بر مدل ارائه شده «براون» و «لویسن» وارد کردند و صورت‌بندی‌های دیگری که از ادب مثبت و ادب منفی به دست دادند که از آن جمله «هاوسن» (۱۹۹۶م) و «اسکالن» (۲۰۰۱م) را می‌توان نام برد.

علیرغم نقدهای ارائه شده و مدل‌های تعدیل شده و اصلاح شده دیگران، باز هم چیزی از ارزش مدل براون و لوینسن کاسته نشد؛ بلکه سایر اصلاحات همگی در درون همان چهارچوب انجام گرفت.

بر اساس نظر «براون» و «لوینسن» یکی از دلایل رعایت ادب و کاربرد صورت‌های احترام‌آمیز، جلوگیری از آثار اعمالی است که وی آنها را اعمال مخدوش‌کننده و وجهه می‌خواند. اعمال ناقض وجهه آنهایی هستند که از آنها احتمال نفوذ و دخالت در حریم شخصی افراد بر می‌آید و بدین سان به وجههٔ به آنها اجتماعی آسیب می‌رسد.

بنا بر این کاربرد ادوات تکریم و القاب احترام به عنوان اعمال حافظ وجهه تلقی می‌شوند. «براون» و «لوینسن» ادب را بر آیند دو عامل خودمانی بودن و فاصلهٔ نسبی اجتماعی می‌دانند که با یکدیگر نسبت عکس دارند.

بر اساس آنچه گفته شد، کاربرد نام شخصی فرد به حوزهٔ ادب مثبت و یا خودمانی بودن تعلق می‌گیرد و در مقابل کاربرد نام خانوادگی، کنیه، لقب، مسئولیت (اداری، اجتماعی و یا دینی) به حوزهٔ ادب منفی و یا فاصلهٔ نسبی اجتماعی برمی‌گردد.

برای مثال اگر شخصی با نام کوچک خوانده شود، تلویحاً نشانگر احساس خودمانی بودن و رفاقت از سوی گوینده نسبت به مخاطب است؛ در حالی که اگر وی مثلاً با نام خانوادگی، لقب و یا مسئولیت و شأن اجتماعی وی خوانده شود، نشانگر این است که از ورود به حریم شخصی وی خودداری شده، ادب منفی ملحوظ گردیده است. پس هر چقدر اشاره و خطاب ما نسبت به مخاطب غیر مستقیم‌تر باشد، میزان ادب و احترام منفی بیشتر لحاظ می‌گردد (آقا، ۱۹۹۴). بر اساس نظریه «براون» و «لوینسن»، کاربرد ادوات احترام و تکریم منفی برآیند دو عامل قدرت و فاصلهٔ نسبی اجتماعی است.

بنابر عامل اول، هرچقدر طرف مقابل از قدرت بیشتری برخوردار باشد، گوینده از ادوات تکریم بیشتری در مخاطب قرار داده و بیشتر استفاده می‌کند.

بنابر عامل دوم، هر چقدر فاصلهٔ اجتماعی میان دو نفر بیشتر باشد، یا آن دو نفر نسبت به هم ناآشنا باشند، احتمال استفاده از ادوات احترام و تکریم بیشتر می‌شود.

۳. نام‌ها و القاب پیامبر (ص) در قرآن

در قرآن کریم از پیامبر اسلام (ص) با نام‌ها و القاب گوناگونی یاد شده است. در قرآن نام‌های پیامبر اسلام (ص) به دو صورت احمد و محمد دیده می‌شوند. نام

احمد تنها یک بار (صف، آیه ۶) و نام محمد چهار بار (آل عمران، آیه ۱۴۴؛ احزاب، آیه ۴۰؛ محمد، آیه ۲ و فتح، آیه ۲۹) ذکر شده است.

در سرتاسر داستان‌های قرآنی به برخی از پیامبران هم اشاره شده است؛ اما تفاوتی میان نام بردن از آنها و نام بردن از پیامبر اسلام (ص) وجود دارد. واضح است که هر پیامبری مورد خطاب الهی بوده است؛ اما در قرآن هیچ‌کدام از آنها با لقب یعنی به صورت یا ایهاالنبی و یا ایهاالرسول و مانند آنها مورد خطاب قرار نگرفته‌اند. از این رو نتیجه گرفته می‌شود که تنها پیامبر اسلام (ص) به صورت یا ایهاالنبی و یا ایهاالرسول مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

در قرآن مجید نام دیگر پیامبران مکرراً منادا واقع شده‌اند؛ مانند: یا عیسی (آل عمران، آیه ۵۵)، یا یحیی (مریم، آیه ۱۲)، یا موسی (نمل، آیات ۱۰-۹)، یا آدم (بقره، آیه ۳۳)؛ لیکن صورت یا محمد و یا احمد هرگز به چشم نمی‌خورد.

۴. تحلیل نام‌ها و القاب پیامبر (ص) با تکیه بر نظریات زبان‌شناسان

چنان که آمد، «براون» و «لویسن» رعایت ادب و احترام افراد را از رهگذر خطاب به آنان با نام ناشی از خودمانی تلقی کردن مخاطب می‌دانست؛ اما به نظر می‌رسد، این نکته درباره پیامبر اسلام (ص) صدق نمی‌کند.

در توجیه این پدیده می‌توان گفت که کاربرد نام‌های شخصی پیامبر اکرم (ص)، یعنی احمد و محمد، برای آن است که شخص ایشان با نام مشخص شده باشند و شخص دیگری نتواند ادعای نبوت کند.

از سیاق آیه شریفه‌ای که نام احمد در آن آمده است، درمی‌یابیم که آن حضرت با این نام در تورات و انجیل معرفی شده بودند و لذا ذکر این مطلب برای آن است که یهودیان و مسیحیان ایشان را شناخته و آن بشارت در مورد شخص آن حضرت برای آنها جای شک و شبهه‌ای باقی نگذارد. نفس عبارت *يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْانْجِيلِ* (اعراف، آیه ۱۵۷) هم می‌تواند حاکی از این باشد که به احتمال زیاد تورات و انجیل غیر محرف در میان آنها یافت می‌شد. چنین معنایی از دیگر آیات که تنها نام محمد در آنهاست برداشت نمی‌شود.

۱. که نام او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند.

نیز همان‌طور که آمد، «براون» و «لویسن» رعایت ادب و احترام اشخاص را از طریق خطاب به آنان با لقب بر اثر قدرت یا فاصله اجتماعی می‌خواند؛ اما این نکته نیز در مورد پیامبر اکرم (ص) صدق نمی‌کند؛ زیرا خداوند از همه کس و همه چیز بالاتر و قدرت مندتر است (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ^۱، سوری، آیه ۱۱).

فاصله نسبی اجتماعی نیز درباره پیامبر اسلام (ص) صادق نیست؛ زیرا هیچ کس نیست که نسبت به خداوند بیگانه و غریبه باشد و یا خداوند، از باب این که با آن فرد آشنایی ندارد، بخواهد از ادوات تکریم استفاده نماید. خداوند از همه کس به انسان نزدیک‌تر است: وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ^۲ (ق، آیه ۱۶).

بنابراین، دو عامل قدرت و فاصله نسبی اجتماعی کاربرد یا ایهاالنبی و یا ایهاالرسول را نمی‌توانند توجیه نمایند.

به نظر می‌رسد، در مواردی که ایشان به عنوان رسول یا نبی مورد خطاب قرار می‌گیرند، به طور مستقیم جنبه آموزشی برای دیگران دارد که وی را بسیار بالاتر و برتر از دیگر آدمیان دانسته، با وی به زبان تکریم سخن گویند؛ چنان که به همین امر در قرآن سفارش شده است: لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا^۳ (نور، آیه ۶۳)

۵. نتیجه

چنان که گذشت، به نظر زبان‌شناسان زمانی که گوینده، قصد رعایت ادب و احترام درباره مخاطبش داشته باشد، هرگاه نام کوچک او را به کار می‌برد، به لحاظ خودمانی بودن مخاطب است و هرگاه مخاطب را با لقب می‌خواند، به جهت برخوردار بودن او از قدرت یا فاصله اجتماعی است.

اما هیچ یک از این نکات درباره پیامبر اسلام (ص) صدق نمی‌کند. نه آنجایی که نام احمد و محمد در آیات قرآن آمده است، به لحاظ خودمانی بودن اوست و نه آنجایی که القاب آن حضرت به کار رفته است، قدرت و فاصله اجتماعی او مورد توجه بوده است.

۲. ما از شاه‌رگ او به او نزدیک‌تریم.

۱. هیچ چیزی مانند او نیست.

۳. رسول را چون خودتان صدا نزنید.

- Agha, A. (1993) *Grammatical and indexical convention in honorific discourse*, Journal of linguistic Anthropology, 3:131-163.
- Agha, A. (1993) *Honorification*, *Annual Review of Anthropology*, 23: 277-302.
- Brown, P., and Levinson, S.C. (1978) *Universals in language usage*, in Goody, ed., pp. 56-310.
- Eelen, G. (1999) *Ideology in politeness: A critical analysis/Idiologie in politeness: Een kritische analyse*, unpub. PhD diss., Antwerp: Belgium: University of Antwerp.
- Eelen, G. (2001) *A critique of politeness theories*. Manchester: St. Jerome.
- Geertz, C. (1960) *The religion of Java*, New York: Free Press.
- Goody, E. N., ed. (1978) *Questions and politeness: Strategies in social interaction*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Grundy, P. (2000) *Doing Pragmatics*, 2nd ed., London: Arnold; New York: Oxford University Press.
- Hudson, D.A. (1996) *Sociolinguistics*, 2nd ed., Cambridge: Cambridge University Press.
- Leech, G. (1985) *Principles of pragmatics*, London: Longman.
- Levinson, S. C. (1983) *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Scollon, R., and Scollon, S. W. (2001) *Intercultural communication: A discourse approach*, 2nd ed., Malden, MA: Blackwell.
- Sifianou, M. (1992) *Politeness phenomena in England and Greece: A cross-cultural perspective*, Oxford: Clarendon Press.
- Wardhaugh, R. (2002) *Sociolinguistics*, 4th ed., Malden, Mass.: Blackwell.
- Yule, G. (1996) *Pragmatics*, Oxford: Oxford University Press.